نگاهی دیگر به جامع احاديث الشيعة ـ جمال فرزند وحی، امیر فتاحی

فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حديث سفينه

سال چهاردهم، شماره 56 «ويژه کتابشناخت متون امامیه»، پاییز1396، ص 84-114

نگاهی دیگر به جامع احاديث الشيعة

جمال فرزندوحی\*[1]

امیر فتاحی\*\*[2]

چکيده: در اين پژوهش جامع احاديث الشيعة که به کوشش آيت­الله بروجردي و زير نظر ايشان تأليف شده است؛ مطالعه می­گردد. ابتدا انگيزة مؤلفان و روند نگارش اين اثر بيان می­شود. سپس به بیان ويژگيهاي ساختاري آن پرداخته شده است. همچنين امتيازات، نقاط ضعف اين مجموعه، روش­ها و مبانی فقه الحدیثی مؤلف در شرح و نقد روایات مورد بررسي قرار گرفته و در آخر نظرات فرهيختگان و انديشمندان پيرامون اين اثر بيان شده است. این کتاب با برخورداري از امتيازاتي همچون جامعيّت نسبت به ساير تأليفات، دقّت در نقل احاديث و تبويب بديع ابواب، از کامل­ترين و دقيق­ترين مجموعه­هاي احاديث فقهي مي­باشد. از جمله نقاظ ضعف آن مي­توان به: تقطيع آيات الاحکام، غفلت در مراجعه به کتب اصلي و مشخص نبودن اسانيد برخي از روایات اشاره کرد. همچنین مبانی خاصّ آيت­الله بروجردي، در حوزه درایه و رجال، و فقه الحدیث در این مجموعه اعمال شده است، از جمله: شناخت معنای مفردات، تبعيّت از دليل در فتاوي، مرجعیّت قرآن و سنّت معصومین در سنجش اعتبار روایات.

کليدواژه­ها: جامع أحاديث الشيعة، آيت الله بروجردي، احاديث فقهي.

مقدمه

تأليف یک مجموعة جامع حديثي که محدثان را از رجوع به ساير منابع بي­نياز کند؛ همواره مورد توجّه و اهتمام محدثان و مؤلفان اين عرصه بوده است. يکي از آثار گرانبها و برجستة در اين زمينه، کتاب شريف جامع احاديث الشيعة فی احکام الشريعة است که توسط مرحوم آیت­الله سیدحسين طباطبايي بروجردي و گروه علمي زير نظر ايشان تأليف شده است. آیت الله بروجردي با وقوف بر منابع حديث شيعه بخصوص کتاب وسائل الشيعة که از مهمترين جوامع حديثي فقه شيعه مي­باشد؛ و با علم به برخي از اشکالات و کاستي­هاي اين اثر، معتقد بودند که به سبب اين کاستي­ها، لازم است يک اصل جامع و کامل احاديث فقهي بر طبق مذهب تشيع، با تهذيب، تکميل، تنقيح و تتميم کتاب وسائل الشيعة تأليف شود. (طباطبائي بروجردي، 1399، ج 1، ص 28) اين انگيزه ايشان و همکاران وی را بر آن داشت که به تأليف این مجموعة جامع حديثي همّت گمارند و حاصل اين تلاش، تدوين اين کتاب در اواخر عمر با برکت ايشان است.

در تحقيق حاضر تلاش شده است به منظور آشنایی و شناخت بهتر، این اثر ارزشمند از جنبه­های مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

1- مروري بر زندگي مؤلف

سيدحسين طباطبايى بروجردى، فـرزنـد سيدعلى طباطبائى، در سال 1292ه.ق در بـروجرد متولد گرديد و در خانواده علم، تقوى و فضيلت رشد کرد. ايشان در بروجرد و نزد پدر و اساتيد ديگر مقدّمات علوم مانند دروس صرف و نحو، منطق، معاني و بيان، بديع­، فقه و اصول را آموختند. در 18 سالگي رهسپار اصفهان و مدرسه صدر شدند. (اباذري،1380، ص17ـ 18) در اين مدرسه علمي، مدّت چهار سال در محضر اساتيد بزرگي چون: ميرزا ابوالمعالي کلباسي، سيد محمد تقي مدرس، سيدمحمدباقر درچه­اي، جهانگيرخان قشقايي و ملامحمدکاشاني به تکميل اندوخته­هاي علمي خود همت گماردند. (طباطبايي،1341، ص 25) سپس عازم نجف اشرف شدند و در محضر بزرگان آن عصر از جمله مرحوم آخوند خراساني، مرحوم شيخ الشريعه اصفهاني و مرحوم آقا سيدکاظم يزدي کسب فيض کردند. (تمري، 1387، ص 122) شاگردان وي بسيارند. تعدادي از مراجع معاصر و فقيهان برجسته کنوني از جمله شاگردان ايشان به شمار مى‌آيند.

از مـهـم‌تـريـن اقدامات مذهبي و اجتماعي وي ساختن چندين کتابخانه، بيمارستان، مدرسۀ علميه و مسجد است؛ از آن جمله مسجد اعظم قم و مسجد هامبورگ آلمان را نام برد. (واعظ زاده خراساني، 1385، ص 54) سرانجام وي در دوازدهـم ماه شوال سال 1380 ه.ق، مطابق دهم فروردين سال 1340 ه.ش، در سن هشتاد و هشت سالگى در قم رحـلـت کرد. (دواني، 1379، ص526-528)

آيت‌الله بروجردي بخش عظيمى از زندگى خويش را در راه پر‌بار ساختن مکتب فقهى اهـل‌بـيـت عصمت و طهارت: سپرى ساخت و در فقه و فقاهت مقام بس شامخى را حـائز گـرديـد. تأليفات بسيارى - قريب به چهل کتاب و رساله - از ايشان به يادگار مانده است که از آن ميان مي‌توان به آثار زير اشاره کرد:

- جامع احاديث الشيعه في احکام الشريعه.

- تعليقه بر اسفار ملاصدرا.

- حاشيه بر کفايه الاصول آخوند خراساني.

- حاشيه بر نهايه شيخ طوسى.

- بيوت الشيعه (پيرامون خاندانهاي علمي و ديني شيعه).

- تجريد اسانيد الکافي.

- تجريد اسانيد التهذيب.

- اسانيد کتاب من لا يحضره الفقيه.

- اسانيد رجال کشّي.

- اسانيد استبصار.

- اسانيد کتاب خصال شيخ صدوق.

- اسانيد کتاب امالي.

- اسانيد کتاب علل الشرايع صدوق.

- تجريد فهرست شيخ طوسي.

- تجريد رجال نجاشي.

- حاشيه بر عروه الوثقي.

- حواشي کتاب مبسوط شيخ طوسي.

- رساله‏اي راجع به سند صحيفه سجاديه، حاوي پاسخ به اشکالاتي که بر سند آن وارد شده‏ است. در اين کتاب سلسله اجازات خود را نقل کرده‏اند.

- اصلاح و مستدرکات رجال شيخ طوسي. (تمري، 1387، ص122؛ شکوه فقاهت، 1379، ص 223)

2- انگيزه و روند تأليف کتاب

در حوزة منابع احادیث فقهی، کتاب وسائل الشیعة به سبب ویژگیهای برجسته از جمله جامعیّت، دقّت در نقل متن و سند روایات و سهولت استفاده از آن، از همان زمان نگارش، به عنوان منبع اصلی روایات فقهی، مورد توجّه علما و فقهای شیعه قرار گرفته‌است. مرحوم آيت­اللَّه بروجردى ضمن ارج نهادن به کتاب وسائل الشيعة، معتقد بود که اين کتاب به سبب برخي کاستي­ها و اشکالات، نيازمند تنقيح و تکميل است. ایشان در مقدّمه کتاب خود ذکر می­کنند که در کتاب وسائل، کاستي­هایی وجود دارد، از جمله:

- تقطيع و پاره پاره شدن احاديث در وسائل الشيعة که این خود موجب شده يک حديث در چندين باب گوناگون بيايد. از اين رو مجتهد در مقام استنباط فقهي به درستي نمي­تواند متوجه فضاي صدور حديث و قرائن موجود در متن آن شود. از سوي ديگر، تقطيع سبب تکرار اسناد احاديث و زياد شدن ابواب کتاب و در نتيجه پر حجم شدن کتاب گشته، تا آنجا که گفته­اند نزديک به يک سوم احاديث آن تکراري است.

- عدم ذکر آيات مربوط به احکام در ابتداي ابواب.

- آميخته شدن احاديث آداب و سنن با احاديث فقهي.

- نقل نکردن دقيق برخي از احاديث کتب اربعه، به طوري که گاه معناي احاديث نقل شده در وسائل با احاديث اصلي تفاوت مي‌‌‌کند.

- در پاره‌اي از ابواب، همه احاديث يک موضوع ذکر نشده و بر عکس احاديث ديگري نقل شده است که با آن موضوع مرتبط نيستند.

- صاحب وسائل الشيعه در ارجاع خواننده به ديگر احاديثِ هم مضمون، تعابير مبهم مانند تَقَدَّم يا يأتي به کار برده و نشاني حديثِ مورد اشاره را دقيقاً معلوم نکرده است. (طباطبائي بروجردي، 1399، ج 1، ص 32)

اين کاستي­ها و ضعف­ها، آيت­اللّه بروجردي را بر آن داشت تا طرح اثري را پيشنهاد کند که در بر دارندة تمامي احاديث فقهي و داراي باب­بندي مناسب و بدون تکرار و تقطيع باشد. با استقبال شاگردان از اين طرح، اجراي آن به اهتمامِ شماري از آنان و با اِشراف و نظارت مستمر خود ایشان، آغاز شد. در ابتدا قرار بود که اين کتاب، تنها ناظر به احاديث کتاب وسائل الشيعة باشد و با نام تهذيب الوسائل منتشر شود؛ امّا در ادامه کار تصميم گرفته شد که کتاب، شامل تمام احاديث فقهي شيعه باشد؛ از اين رو، احاديث فقهي که در مصادر اوّليه حديثي يافت شد؛ ولي در وسائل الشيعة و مستدرک الوسائل نيامده بود؛ بدان افزوده شد. نام کتاب را آيت­اللّه بروجردي خود برگزيد. پس از حدود هفت سال کار گروهي آيت­الله بروجردي و همکارانش، کار فيش برداري از احاديث به پايان رسيد و ايشان از ميان شاگردان سه نفر را براي بازبيني و آماده­سازي نهايي انتخاب کردند؛ که عبارت بودند از: شیخ اسماعيل معزّي ملايري، شيخ علي پناه اشتهاردي و شیخ محمد واعظ زاده خراساني. پس از چاپ نخستین جلد اين مجموعه، آيت الله بروجردي وفات کردند. سپس آيت الله اسماعيل معزّي ملايري کار ادامه بازبيني را به عهده گرفتند و با مساعدت آيت الله خوئي نخستين دوره کتاب به طور کامل به چاپ رسيد.

3- ويژگيهاي کتاب

3-1- موضوع کتاب

موضوع اين کتاب، روايات فقهي است که به زبان عربي نگاشته شده و با چينش و نظمي خاص براي تسهيل مراجعه فقها تنظيم گرديده است. علاوه‌ بر اين، رواياتِ سُنن، آداب، اخلاق، دعاها و اذکار نيز به صورت مستقل در اين کتاب، پس از روایات فقهی ذکر شده است.

3-2- ساختار کتاب

اين کتاب به لحاظ ترتيب کتابها و اسلوب همانند کتاب وسائل الشيعة بوده و

همان روش معمول فقها و محدثان را در پيش گرفته است. در ترتيب ابواب و فصول، نيز ترتيب کتاب وافي را به کار برده است. با مقایسة جامع الاحادیث با سایر منابع حدیثی، به ويژه وافي و وسائل، در عین اختصار می­توان گفت این اثر از لحاظ ترتيب کتب و ابواب، بر ساير کتب حديث، برتري دارد.

مجلد اوّل کتاب با مقدّمه‌اي شامل تاريخ تدوين حديث شیعه و سير آن از دوران اوّلیه تا متأخران شروع مي‌شود. سپس ضمن بيست باب، عناويني آورده که جنبۀ مقدّماتي نسبت به احاديث احکام دارد؛ از جمله بحث حجيّت سنّت رسول اکرم6 و احاديث ائمه اطهار:، عدم جواز رأي و قياس، بحث از شرايط تکليف، لزوم نيّت در عبادات و ...

تأليف مقدّمه را آيت‌الله بروجردي خود آغاز کرد و پس از وفات وي، فرزندش سيد محمّدحسن آن را تکميل نمود. از جلد دوم به بعد، به احاديث احکام پرداخته است که از کتاب طهارت آغاز و به کتاب ديات و قصاص ختم شده است.

3-3- تعداد روايات

جامع احاديث الشيعه طبق شمارشي که در چاپ 31 جلدي آن صورت گرفته 48342 حديث دارد.

3-4- روش شماره­گذاري احاديث

در اين کتاب، هرحديث، در آغاز متن، دو شماره دارد. شماره اول، شماره پياپي احاديث کتاب و شمارة دوم که در ميان دو هلال قرار مي­گيرد، شمارة احاديث همان باب است. در ذیل براي فهم بهتر، به عنوان نمونه يک حديث از اين کتاب ذکر مي­شود:

باب انّه لا بيع إلّا عن ملك عدا ما استثنى‏

32445- (8) فقيه 4/9، أمالى الصّدوق350: (وفى حديث المناهى عن رسول6) قال: ومن اشترى خيانة وهو يعلم فهو كالّذى خانها.

شماره 32445 شماره پياپي اين حديث در جامع الاحادیث و عدد 8 به اين معني است که حديث مذکور، هشتمين حديث در اين باب مي­باشد. همچنین حدیث مذکور در صفحة 9 از جلد 4 کتاب الفقیه و صفحة 350 از کتاب امالی شیخ صدوق واقع شده است.

4- منابع و مصادر کتاب

در این اثر از بین منابع حدیث شیعه معمولاً از منابع اصلی، به خصوص کتب اربعه استفاده شده است. البته در ارجاع حدیث از این منابع، غالباً به جای ذکر نام منبع، از علائم خاصی استفاده شده است که در ذیل اهم این منابع و علامت اختصاری آنها ذکر می­شود:

- کافی (کا)

- بحارالانوار (بحار)

- من لایحضره الفقیه (فقیه)

- تهذیب الاحکام (یب)

- استبصار (صا)

- وسائل الشیعه (ئل)

- مستدرک الوسائل (ک)

- معانی الاخبار (معانی)

- دعائم الإسلام (دعائم)

- بصائر الدرجات (بصائر)

- قرب الاسناد (قرب)

البته این علائم غالباً در چاپ اول این کتاب به کار رفته و در چاپهای بعد غالباً نام کامل منبع ذکر شده است.

5- امتيازات کتاب

در مقدّمة اين کتاب به تفصيل 23 ويژگى براى اين کتاب بر شمرده شده که در ذیل به بخشى از آنها اشاره مى­کنيم:

5-1- در هر باب، آيات الاحکام مربوط به آن باب ذکر شده است.

5-2- تقطيع نشدن روايات مگر در برخي احاديث طولاني. مانند وصيّت پيامبر اکرم6 به امام علي7 و حديث اربعمأة.

برای نمونه در حديث شماره 2258 این کتاب آمده است: (بالاسناد المتقدم في باب فضل الصلاة عن علی7 فی حديث الأربعمائة): قال إذا صليت فاسمع نفسك القراءة والتكبير والتسبيح. (طباطبائي بروجردي، 1399، ج 5، ص126) با مراجعه به سایر کتب حدیثی مانند بحارالانوار (ج 10، ص 108) و نیز الخصال شیخ صدوق (ج 2، ص630) مشاهده می­شود که اين حديث تقطيع شده است.

5-3- ضمن دقّت در ضبط صحيح واژه­ها و عبارتهاى روايات بر اساس منابع اصلى، به اختلاف نسخه­ها نيز اشاره شده است. برای نمونه در سند حديث ذیل، لفظ مسکين تصحيح شده است که در بعضی از منابع و نسخه­ها از جمله در کتاب وسائل الشیعه با لفظ سکين آمده است:

2706- (52) بالاسناد عن الحسن عن محمد بن مسكين (سكين) عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبی عبد الله (أبی جعفر) 7قال أكثرو... (طباطبائي بروجردي،1399، ج 5، ص157)

5-4- روايات سنن، آداب، اخلاق، ادعیه و اذکار، از احکام جدا و به صورت مستقل انعکاس يافته است. به عنوان مثال باب رمي جمره به چندين باب تقسيم مي­شود: به ترتیب، باب فضل و برتري و وجوب اجرای آداب و احکام آن، استحباب پاک بودن هنگام پرتاب سنگ، جواز سنگ انداختن و... که دقّت و ظرافت مؤلف در اين امر را نشان مي­دهد.

5-5- احاديث هر باب با رعايت نظم مشخصی انعکاس يافته­اند؛ به اين معنا که نخست روایات مطابق با فتوا آمده، سپس به ترتيب روايات متعارض ذکر شده است.

5-6- در موارد نياز، مرجع ضمير در روايات مشخص شده و معانى واژه­هاى دشوار ارائه شده است.

5-7- افزون بر احاديث دو کتاب وسائل الشيعة و مستدرک الوسائل، حاوي هشتصد حديث ديگر نيز مي‌باشد.

5-8- در هر باب به رواياتي که به ابواب ديگر نيز ارتباط دارد؛ دقيقاً و با نشاني ارجاع داده شده تا محققان به راحتي به روايات مربوط به يک موضوع در ابواب مختلف دست يابند. براي اين کار غالباً عبارات «وتقدم فی أحاديث الباب المتقدم» و «يأتی فی أحاديث الباب الثانی ما يمكن ان يستدل به على حكم الباب» استفاده شده است و مؤلف ارجاع به باب پيشين مي­دهد.

5-9- وجوهي که فقهاي بزرگ سلف در جمع بين متعارضين بيان کرده‌اند، ذکر شده است.

5-10- نقل توضيحات مهمي که در کتابهاي حديثي شيعه در ذيل برخي احادیث آمده و به فهم آنها کمک مي کند. بيشترين نقلها از شيخ طوسي و عمدتاً در بارة حل تعارض ظاهري احاديث است. يادآوري نسبت به واژگان غريب و مشکل و توضيحات ضروري براي فهم احاديث، اصلا‌ح اسناد و تذکر موارد مشتبه‌ در کتاب، امدادگر محققان است.

5-11- تلفيق اِسناد و متون؛ يعني در صورت اشتراک سند حديث با حديث پيشين، بخشهاي مشترک سند، تکرار نشده و با عبارت بهذا الاسناد ذکر شده است. به طور مثال در حديث 1082 سند این گونه ذکر شده است: ... علي بن ابراهيم عن محمد بن عيسي عن يونس بن عبد الرحمن عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله...

سپس به دلیل تکرار سند، روایت بعد با عبارت بهذا الاسناد بیان شده است:

1083- بهذا الاسناد... (طباطبائي بروجردي ،1399، ج 2، ص 5)

5-12- علاوه بر رعايت نظم و ترتيب مناسب در باب­بندي کتاب، روايات هر باب نيز با نظم خاصي رتبه­بندي و نقل شده اند. ابتدا احاديثي که برطبق مضمون آنها فتوا داده شده و سپس احاديث متعارض آورده شده و روايات عام پيش از روايات خاص و روايات مطلق پيش از روايات مقيد آمده است.

6- کاستي­ها و ضعف­ها

استواریِ این کتاب، به اندازه­اي است که در ميان ديگر مجامع حديثي همچون گوهري به چشم مي­آيد. با اين حال، مانند هر اثر و کتاب، نقاط ضعف و ايرادهايي در آن مشاهده مي­شود.

6-1- استقصاي ناقص آيات الاحکام

در این اثر، برخلاف عنايت تام و دقيقي که درجستجو، گزينش و جمع­آوري روايات به کار رفته، اين شيوه درباره آيات، با بي­مهري مواجه شده است. گذشت که يکي از ويژگيهاي اين اثر، جامعيّت آن در مورد روايات فقهي است؛ يعني هر روايتي ولو با کمترين دلالت با عنوان باب، در آن گنجانيده شده است؛ حتّي چنانچه آن روايت، در باب ديگري باشد؛ به آن ارجاع داده شده است؛ در حالي که اين رويه در آيات به کار نرفته و تنها بخشي از آيات مرتبط با عنوان باب، در ابتداي آن آورده شده است. اين کاستي و غفلت با اهداف نگارش کتاب ناسازگار است؛ زيرا هدف اين بود که فقيه با وجود اين کتاب، از جستجوي آيات الاحکام در قرآن بي­نياز گردد؛ امّا براي متتبع روشن است که اين خواسته در کتاب جامع احاديث شيعه محقق نشده است.

به عنوان مثال، در جلد 22، ذيل باب تحريم صحبة السلاطين واعانة الظالمين ومدحهم ومحبة بقائهم طمعاً لما فی أيديهم تنها به ذکر آيات زير اکتفا شده است:

- ولا تعاونوا علی الإثم والعدوان. (مائده/2)

- ومن يتولهم منکم فإنه منهم إن الله لا يهدی القوم الظالمين. (مائده/51)

- فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظالمين. (انعام/68)

- وفيکم سماعون لهم والله عليم بالظالمين. (توبه/47)

- ولا ترکنوا إلی الذين ظلموا فتمسکم النار وما لکم من دون الله من أولياء ثم لا تنصرون. (هود/113)

- يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوی وعدوکم أولياء تلقون إليهم بالمودة وقد کفروا بما جاءکم من الحق. (ممتحنه/1)

در حالي که علاوه بر برخي از آيات مذکور، در بحارالانوار (ج 72، ص 368، باب82) الرکون إلی الظالمين وحبهم وطاعتهم اين آيات نيز اضافه شده­اند:

- واتبعوا أمر جبار عنيد. (هود/59)

- فاتبعوا أمر فرعون وما أمر فرعون برشيد. (هود/97)

- وماکنت متخذالمضلين عضداً. (کهف/51)

- فاتقوا الله واطيعون ولا تطيعوا أمر المسرفين الذين يفسدون فی الارض ولا يصلحون. (شعرا/ 150-152)

- قال رب بما انعمت علی فلن اکون ظهيراً للمجرمين. (قصص/17)

- اُحشروا الذين ظلموا وازواجهم وما کانوا يعبدون من دون الله فاهدوهم إلی صراط الجحيم. (صافات/22-23)

-والذين اجتنبوا الطاغوت أن يعبدوها وانابوا إلی الله لهم البشری فبشرعباد. (زمر/17)

- وإن الظالمين بعضهم أولياء بعض. (جاثيه/19)

- قال نوح رب إنهم عصونی واتبعوا من لم يزده ماله وولده إلا خساراً. (نوح/21)

- فاصبر لحکم ربک ولا تطع منهم آثماً أو کفوراٌ. (انسان/24)

البته علّامه مجلسي نيز برخي از آيات مذکور را نياورده است. امّا آنچه مقصود ماست؛ توجه به آيات متعددي است که دلالت مطابقي و يا التزامي با عنوان باب دارند؛ ولي ذکر نشده­اند. اين آيات به آنچه در بحار ذکر شده است نيز محدود نمي­شود. برای فهم بهتر مطلب، برخي از آياتي را که مي­تواند با مسئله مورد بحث مرتبط باشد؛ ذکر می­شود. در اين آيات، واژگاني به کار رفته که از مشتقات طاغوت، کفر، ولايت و اطاعت است.

- لا اکراه فی الدين قد تبين الرشد من الغی فمن يکفر بالطاغوت ويومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها والله سميع عليم. (بقره/256)

- الذين امنوا يقاتلون فی سبيل الله والذين کفروا يقاتلون فی سبيل الطاغوت فقاتلوا أولياءالشيطان إن کيد الشيطان کان ضعيفاً. (نساء/76)

- ولقد بعثنا فی کل اُمة رسولاًأن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت فمنهم من هدی الله ومنهم من حقت عليه الضلالة فسيروا فی الارض فانظروا کيف کان عاقبةالمکذبين. (نحل/36)

- والذين اجتنبوا الطاغوت أن يعبدوها وأنابوا إلی الله لهم البشری فبشر عباد. (زمر/17)

- والذين کفروا بعضهم اولياء بعض إلا تفعلوه تکن فتنة فی الارض وفساد کبير. (انفال/73)

- يا ايها الذين آمنوا إن تطيعوا الذين کفروا يردوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرين. (آل عمران/49)

6-2- تقطيع آيات الاحکام

در اين مجموعة حدیثی برخلاف روايات که به ندرت از تقطیع استفاده شده است؛ در آيات قرآن تقطيع اعمال شده است. و به همين جهت، مستنبِط را از مراجعه به قرآن و مشاهده اصل آيه بي­نياز نمي­کند. با تقطيع آيه، پس و پيش آيه حذف می­شود و تنها جمله­اي که ارتباط مستقيمي دارد؛ نقل می­گردد. و در نتيجه فضاي آيه، مبهم باقي مي­ماند. حتّي گاه مشخص نمي­شود که اين خطاب متوجّه چه کساني بوده است؛ مثلاً در آيات ذيل که در جلد 22 اين کتاب در باب تحريم صحبة السلاطين و اعانة الظالمين آمده؛ بخش­هایي از آيات را آورده­اند و از ذکر بقية آنها صرف نظر شده است. در آيه اوّل، افرادي که جلوس با آنان نهي شده­اند؛ مشخص نيست. و در آيه دوم، کساني که از محبّت آنان نهي شده؛ نامعلوم است:

- وإذا رأيت الذين يخوضون فی آياتنا فأعرض عنهم حتی يخوضوا فی حديث غيره وإما ينسينّک الشيطان فلا تقعد بعد الذکری مع القوم الظالمين. (انعام/68)

- يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا اليهود والنصاری أولياء بعضهم أولياءُ بعض ومن يتولهم منکم فانه منهم إن الله لا يهدی القوم الظالمين. (مائده/51)

6-3- مشخص نشدن «عدة من اصحابنا» در اسناد کتاب الکافي

طبق ادّعاي نويسندگان کتاب، يکي از اهداف مهم کتاب جامع احاديث الشيعة، بي­نياز کردن فقيه از مراجعه به ساير کتب حديثي است. نوشته­اند: مراعيا لتسهيل طرق الاطلاع والعثور بحيث لا يحتاج معه الفقيه إلی غيره ويستغنی به عما سواه. (طباطبائي بروجردي، 1399، ج 1، ص 18) از همين رو، دقّت و کوشش فراواني صورت گرفته است تا خاطر خواننده را در مطالب منقول آسوده گرداند و نگراني او را از مراجعه و نياز به منبع ديگر، برطرف سازد.

مؤلف محترم در توضيح نکته پنجم از روش کتاب می­گوید که تعليقات الکافي را در کتاب خود آشکار کرده و توضيح داده که کليني مقيّد به ذکر تمام سند خود بوده و فقط در صورتي که سند روايت بعدي در تمام يا بخشي از آغاز سند، با سند روايت قبلي تطابق داشته باشد؛ بخش مشترک را تکرار نمی­کند، و چون کتاب حاضر روايت قبلي را همراه با روايتي که سندش تعليق شده است؛ نياورده است؛ بنابراين لازم است تا آن را آشکار سازد و اين کار را نيز انجام داده است. ايشان در ادامه از کتاب تهذيب و الفقیه نام مي­برد و اينکه مؤلفان اين دو کتاب، اغلب احاديث را مرسل آورده و در پايان کتاب، سلسله سند خود را تا راوي، ذکر کرده­اند.

امّا اين سؤال مطرح است که محذوفات اسناد الکافي منحصر در تعليقات نيست؛ بلکه مرحوم کليني در بسياري از موارد به جاي اينکه بخشي از سند را ذکر کند؛ فقط به ذکر «عدة من اصحابنا» اکتفا کرده و در پايان کتاب، مقصود خود را از آنها، بيان داشته است. کليني در اين باره مي­نويسد: «هرگاه در کتابم از عدة من اصحابنا، از احمد بن محمد بن خالد برقي روايت کردم؛ مراد از اصحابنا علي بن ابراهيم، علي بن محمد بن عبدالله اذينه، احمد بن عبدالله بن اميه علي بن حسن است» (کليني،1429، ج1، ص 29) و جاهاي ديگري منظور از عده را افراد ديگري بيان کرده است. (ر،ک: سبحاني، 1389، ص 382) اما در اين کتاب فقط لفظ «عدة من اصحابنا» آمده است.

اين مسئله زماني مشکل خواهد بود که بدانيم عدة من اصحابنا به حسب افرادي که به آنها ختم مي­شوند؛ متفاوت هستند. مشکل سازتر اينکه در اثر حاضر، اين افراد نه تنها آشکار نشده­اند؛ بلکه در پايان کتاب هم اسمي از آنها به ميان نيامده است. در حالي که طبق هدف کتاب، همانند تعليقات، بايد عدة من اصحابنا نيز آشکار مي­شدند؛ زيرا در غير اين صورت، مستنبط باید به کتاب الکافي رجوع کند. به عنوان مثال در حدیث ذیل که در جلد هفدهم این کتاب آمده است؛ عدة کتاب الکافی مشخص نشده است:

كا (کافی) 5 / 78 - عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه أحمد بن أبی عبد الله عن أبی طالب الشعرانی عن سليمان بن معلى بن خنيس عن أبيه قال سئل أبو عبد الله7 ... (طباطبائي بروجردي ،1399، ج 17، ص 3)

6-4- مشخص نشدن اسناد تهذيب و من لا يحضره الفقيه

اشکال ياد شده، در روايات مرسل تهذيب و فقيه نيز مطرح مي­شود؛ زيرا شيخ طوسي در تهذيب، تنها نام صاحب کتابي را که حديث از آن نقل شده، آورده است. و طرق خود را به صاحب اصل يا کتاب در پايان تهذیب يا فهرستش بيان داشته است.

شيخ صدوق نيز درکتاب الفقیه، اغلب به ذکر نام آخرين راوي که حديث را از امام شنيده، اکتفا کرده و در پايان کتاب خود، سلسله اسناد را به طور کامل آورده است. اما در جامع احاديث الشيعة اين روايات با سند ناقص ذکر می­شوند؛ در نتيجه اغلب روايات تهذيب و الفقيه در اين اثر، مرسل هستند و اين اسناد حتّي در پايان کتاب نيز نيامده­اند. انتظار مي­رفت که در اين موارد، افتادگي سند را اضافه کنند و براي امانت داري، آن را داخل دو هلال قرار دهند و حتّي به آخر کتاب نيز حواله ندهند تا بدين وسيله خواننده از مراجعه به کتب تهذيب و الفقيه بي­نياز گردد. برای نمونه در اين کتاب، حديث اينگونه بيان شده است:

2250 (15) فقيه 1/54 قال الباقر و الصادق8: صلاة ركعتين بسواك أفضل من سبعين ركعة بغير سواك. ( طباطبائي بروجردي، 1399، ج 5، ص6)

ملاحظه می­شود که در حدیث مذکور، سلسله سند مرسل می­باشد.

6-5- نامفهوم بودن برخي از علائم

استفاده از علائم براي کتب حجيم و دقيقي مانند جامع احاديث، امري کاملاً طبيعي و لازم است؛ به شرط اينکه اين علائم در مقدّمه یا بخشی از کتاب به خوبي توضيح داده شوند. به عنوان مثال، در اين کتاب به جاي «نسخه بدل» علامت رمزي «خ» به کار رفته است، در حالی که در هیچ بخشی از این کتاب به معرفی و توضیح این علامت پرداخته نشده است. برای نمونه این نقص در حدیث ذیل مشاهده می­شود:

قال من رضى بدون التشرف (الشرف- خ) من المجلس لم يزل الله عز وجل وملائكته يصلون عليه حتى يقوم (طباطبائي بروجردي، 1399، ج 16، ص 5 -6) منظور از «خ» این است که در نسخة بدل، واژة التشرف به صورت الشرف آمده است.

نیز به جاي عبارت نسخه اصلاحي، در مواردي که مؤلف نظر اصلاحي خود را

درباره سند يا متن مي­دهد؛ از علامت «خ ل» استفاده شده است. مثال:

4672- (10) قرب الإسناد 98- بإسناده عن علی بن جعفر عن أخيه موسى ابن جعفر7 قال: سئلته عن رجل صلى العيدين وحده أو صلى الجمعة هل يجهر فيهما (فيها - خ ل) بالقراءة قال لا يجهر الا الامام. (طباطبایي بروجردي، 1399، ج 6، ص 126- 127)

6-6- غفلت در مراجعه به کتب اصلي

در مقدّمه جامع الاحادیث آمده است که اگر حديثي در وسائل يا مستدرک از کتابي دیگر ذکر شود که در نسخه­هاي موجود از مصادر اصلي، يافت نشود، حديث به خود آن دو کتاب استناد داده مي­شود. امّا در مواردی این روش با غفلت همراه شده است. به طور مثال:

مستدرک 17/248- عوالی اللئالی عن النبی6 قال: العلم مخزون عند أهله وقد امرتم بطلبه منهم. (طباطبائي بروجردي، 1399، ج 1، ص 278)

اين نوع اسناد بدان معناست که اين حديث در نسخه­اي از عوالي اللئالي که امروزه در دسترس ماست، وجود ندارد ولي در نسخه­ای که در اختیار حاجی نوری بوده، وجود داشته است. در حالي که که اگر به نسخه موجود از عوالي مراجعه شود، اين حديث بدون کوچکترين تفاوتي موجود است، (ابن ابي جمهور، 1405، ج 4، ص 61) ولی در مراجعه به مصدر اصلی حدیث (عوالی اللئالی) غفلت واقع شده است.

7- مباني فقه الحديثی جامع الاحادیث

آيت الله سيد حسين طباطبايي بروجردي، يکي از معدود فقيهان سدة اخير است که در حوزة درایه و رجال، صاحب انديشه و سبک ويژه­اي بود. نقشي که آگاهي­هاي رجالي در برداشتهاي فقهي ايشان داشت، موجب تحوّل قابل توجّهی در روند تاريخ فقه و حديث شيعه شد و مکتب فقهي جدیدی بنيان نهادند که زير بناي آن، شناسايي تفسير و نقد حديث بود. (سلطاني، ش7، ص23) این مباني و روش فقه الحديثي ايشان در مجموعه جامع احاديث الشيعه نيز اعمال شده است و از نمود خاصّي برخوردار است که در ادامه نمونه­هايي از آن ذکر مي­شود:

7-1- توجّه به نقص سندی احادیث

وجود سند در كنار روايات، افزون بر اين ‌كه به متن روايات اعتبار ويژه‌اي مي‌‌بخشد، راه ورود روايات ساختگی را به متون روايي می­بندد.

دقّت در ذكر اسامي به طور كامل و متمايز ساختن راويان مشترك، مشخص ساختن هويّت راويان، مشخص ساختن نوع تحمل حديث و ... از دقّتهايي است كه مطلوب بوده و باعث امتياز براي يك كتاب روايي است. (نصيري، 1385ه.ق، ص 87)

مرحوم بروجردی ابتدا سند احاديث را از لحاظ اتصال و انقطاع بررسي كرده، سپس با تخصص و تسلّط خود بر منابع مختلف روايي، نقصهاي اين كتابها را در حدّ توان و به صورت شایسته­ای برطرف كرده است. این روش ایشان در نقل حدیث از کتب اربعه، بخصوص در نقل از کتاب الفقیه شیخ صدوق نمود پیدا می­کند. در این روش ایشان ابتدا سند حدیث را از کتب دیگر (غالباً از الکافی و تهذیب) ذکر کرده و سپس متن حدیث مذکور را نقل می­کند. مثال:

... کا 2/99 محمد عن أحمد عن السراد يب 1/30 أحمد بن عبدون عن ابن الزبير عن الحسين بن عبد الملك الأودی عن السراد عن الكرخی عن أبی عبد اللّه7 قال: الفقيه 1/25 قال رسول اللّه6: ثلاث ملعون من فعلهن المتغوط فی ظل النزال و المانع الماء المنتاب و ساد الطريق المسلوك. (طباطبائی بروجردی، 1399، ج 3، ص 16)

ملاحظه می­شود که به سبب مرسل بودن حدیث در کتاب من لایحضره الفقیه، براي رفع اين نقص، ابتدا سند حديث از دو منبع الكافي و التهذيب با سند كامل نقل می­شود، سپس متن آن از کتاب الفقیه ذکر گردیده است.

7-2- مرجعیّت قرآن و سنّت معصومین در سنجش اعتبار روایات

يكي از مراحل بررسي صحت و سقم و نقد محتوايي احاديث، عرضة روايات بر قرآن کریم و روايات صادره از معصومين است. مرحوم بروجردی در بررسی روايات به این مهم توجّه داشتند؛ لذا اگر مضمون حديثی با ظاهر قرآن و اخباري كه در باب آمده؛ مخالفت می­نمود، اعتبار و اصالت آن را مورد تردید قرار داده و به ردِّ آن می­پرداختند. به طور مثال حدیث ذیل، را با تعلیقه­ای آورده­اند:

1299- 46547- (36) تهذيب 10/73: استبصار 4/229: ... القاسم بن سليمان قال: سألت أبا عبد اللّه7 عن العبد إذا افترى على الحرّ كم يجلد، قال أربعين، و قال: إذا أتى بفاحشة فعليه نصف العذاب.

در باره بنده­ای که تهمت زنا یا لواط بر انسان آزادی زند؛ چند ضربه شلاق زده می­شود؟

فرمود: چهل عدد. و فرمود: هر گاه کار ناپسندی انجام دهد، نصف آن مجازات بر او مترتب است.

آنگاه ذیل حدیث مذکور می­نویسد:

هذا الخبر شاذّ مخالف لظاهر القرآن و للأخبار الكثيرة الّتى قدّمناها و ما هذا حكمه لا يعمل به و لا يعترض‏ بمثله.‏ فامّا مخالفته‏ لظاهر القرآن فلانّ اللّه تعالى قال: و الّذين يرمون المحصنات الى قوله فاجلدوهم ثمانين جلدة و لا تقبلوا لهم شهادة أبداً، و ذلك عامّ فی كلّ قاذف حرّاً كان أو عبداً. فأمّا قوله تعالى‏ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ ما عَلَى الْمُحْصَناتِ مِنَ الْعَذابِ‏ فذلك مخصوص مقصور على الزنا لما بيّنّاه من الأخبار و أنّه لا يجوز تناقضها.

آیت الله بروجردی حدیث مذکور را شاذ می­داند، چرا که مخالف ظاهر قرآن (آیه4 سوره نور و آیه 25 سوره نساء) و دیگر احادیثی است که صادر شده است. و مؤلف گرامی با استناد به آنها، حدیث مذکور را مخالف سنّت معصومین و روایات صادره از ایشان می­دانند و آن را فاقد اعتبار می­شناساند.

احادیث مورد استناد ایشان که دلالت بر این دارند که حدّ حرّ و عبد در ارتکاب زنا به یک اندازه است و در نتیجه باعث ردّ حدیث ذکر شده در اوّل بحث می­شود؛ چنین است:

46548- (37) كافى 7/ 208: ... عن عبيد بن زرارة قال: سمعت أبا عبد اللّه7 يقول: لو أتيت برجل قد قذف عبداً مسلماً بالزّنا لا نعلم منه إلّا خيراً لضربته‏ الحدّ حدّ الحرّ إلّا سوطاً.

46549- (38) تهذيب 10/ 71: ... منصور بن حازم عن أبى عبد اللّه7 فی الحرّ يفترى على المملوك قال: يسأل فان كانت أمّه حرّة جلد الحدّ.

46549- (38) تهذيب10/71: ... منصور بن حازم عن أبى عبد اللّه7 فی الحرّ يفترى على المملوك قال: يسأل فان كانت أمّه حرّة جلد الحدّ. (طباطبایی بروجردی، 1399، ج 30، ص 796)

7-3- نقد حدیث بر اساس اجماع

يکي ديگر از معيارهاي نقد حديث، سنجش آن با اجماع اماميّه است. در این روش، حديث مخالف اجماع از نظر ایشان فاقد اعتبار خواهد بود. بر این اساس، وی در موردي حدیثی با مضمون خواب ماندن حضرت رسول6 تا طلوع خورشيد و ادای نماز نافله قبل از نماز صبح می­فرماید:

فقیه3580/1... سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ7 يَقُولُ‏: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَامَ رَسُولَهُ عَنْ‏ صَلَاةِ الْفَجْرِ حَتَّى‏ طَلَعَتِ‏ الشَّمْسُ‏ ثُمَّ قَامَ فَبَدَأَ فَصَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ ثُمَّ صَلَّى الْفَجْر. (طباطبایی بروجردی، 1399، ج 6، ص 336)

از سعید اعرج نقل شده كه گفت: شنيدم از حضرت امام جعفر صادق7 كه ‏فرمودند كه خداوند تبارك و تعالى رسولش6 را به خواب برد تا آن كه آفتاب طلوع نمود. سپس آن حضرت برخاستند. و ابتدا نافله صبح را به جا آوردند و بعد از آن نماز صبح را اقامه نمودند.

ذیل این حدیث بر اساس معيار اجماع مي‌گويد: اين حديث مخالف فتواي اماميّه است که اختلافی نیست در اين که نماز واجب هر کس فوت شود، بايد در هر فرصتي از شبانه روز که متوجّه شد، قضا کند، مادام که وقت فريضه حاضر مضيق نباشد. بنا براين، هر گاه براي انسان حرام باشد که نماز فریضه­ای را که وقت آن نرسيده ادا کند، به طريق أولي خواندن نوافل پيش از قضاي واجب فوت شده، ممنوع خواهد بود. (طباطبایی بروجردی، 1399، ج 6، ص 336)

افزون بر آن حضرت رسول فرمود:

لا صلاة لمن عليه صلاة (همان، ج 6، ص 337) کسي که فريضه بر گردن دارد؛ نافله ندارد.

7-4- توجّه به اسباب صدور روایات

یکی از عوامل مؤثر در فهم حدیث، شناخت اسباب صدور حدیث است. احادیث معصومان در شرایط زمانی و مکانی متفاوت و با انگیزه­ها و هدف­های خاصی صادر شده­اند که صدور آن­ها ناشی از اسباب و علل گوناگونی بوده­اند، امّا وجود پدیده­هایی در طول تاریخ حدیث از جمله ممنوعیّت نگارش حدیث و نقل سینه به سینة آن، نقل به معنا، و ... نه تنها باعث شده است که اختلالاتی در فهم احادیث به وجود آید، بلکه بسیاری از اسباب صدور احادیث را، حذف کرده و یا به فراموشی سپرده است. از این رو: «آیت الله بروجردي شيوة فقه الحديثي خود را بر مطالعه و بررسي شرايط صدور روايت نهاده و از اين رهگذر، به نکات و برداشت­هاي بديع و کم نظيري دست يافته است که از اين جهت بايد روش ايشان را واقع­گرايانه و مبتني بر قرآن و حديث نام نهاد.» (سلطاني، ششم، ص 28) مرحوم بروجردي با توجّه به همين واقعيت­گرايي، به بررسی و فهم احاديث پرداخته­اند. به طور مثال ایشان روايتي آورده که می­فرماید: زنازاده شرورترین سه نفر است:

45797- (11) عوالى اللآلی 3/533: قال النّبیّ6 ولد الزّنا شرّ الثّلاثة. (طباطبایی بروجردی، 1399، ج 30، ص 432)

آنگاه در مورد سبب صدور این حدیث می­نویسد که: این روایت در مورد مردي از منافقان به نام ابوغرّه جُحَمیاست که پيامبر خدا را آزار مي­داد. پيامبر فرمود: «چه کسي مرا از دست فلاني آسوده مي­کند؟» گفته شد: اي پيامبر خدا، افزون بر اين آزاررساني، او زنازاده هم هست. ایشان فرمودند: او [ابوغره جحمی] بدترینِ سه نفر [پدر و مادرش و فرد زناکار] است؛ (أبا غرّة الجمحىّ كان يهجو النّبیّ6 فذكر عند النّبیّ6 و قيل فيه إنّه ولد زِنية فقال6 ولد الزّنا شرّ الثّلاثة يعنى أبا غرّة ...) (طباطبایی بروجردی، 1399، ج 30، ص 434)

7-5- نقش علم کلام در پذيرش يا ردّ احاديث

برخی مشکلات در حوزه حدیث وجود دارد که در آنها، انگيزه­هاي کلامي، نقشي برجسته داشته است. مرحوم سيد مرتضي در اين باره مي­گويد:

«در بين احاديث منقول در کتب شيعه و کتب همة مخالفان ما، انواع اشتباهات و باطلهاي محال و غير قابل تصوّر و ناروا وجود دارد؛ باطل­هايي که دليل بر بطلان و فساد آنها در دست است. از قبيل: تشبيه، جبر، رؤيت و ... و از اين دست باطل­ها که غير قابل شمارش­اند. از اين روي، نقد حديث از راه عرضة آن بر عقل، لازم است.» (شريف مرتضي، بي­تا، ج 1، ص 409)

لذا در شناخت احاديث، آگاهي از باورهاي ثابت کلامي، تأثير جدّي دارد. محدثان و فقيهان چيره دست، در بررسي و تحليل مفاد روايت­ها همواره به باورهاي کلامی توجّه داشتند و احاديث را در ساية اين باورها مورد نقد و بررسي قرار داده­اند. مرحوم بروجردي نيز در سبک خويش به اين امر توجّه داشته است. ايشان در اين اثر، رواياتي را با تکيه بر باورهاي کلامي، غير قابل پذيرش اعلام مي­کنند، صدور آنها را به دليل تقيه مي­دانند. به طور نمونه ايشان در ذيل مبحث سجده سهو، درباره احاديثي که گوياي وقوع سهو از پيامبر اکرم6 در نماز است، مي­گويد: « اخبار فریقين، دلالت بر اين مي­کند که از آن حضرت، سهو در نماز صادر شده است و بعد از آن، دو سجده سهو انجام داده است؛ اما مقتضاي مذهب شيعه، خلاف آن است... گمان مي­رود که اين قبيل روايات که اثبات کنندة سهو براي پيامبر6 است، بر مبناي تقيه صادر شده باشد.» (طباطبايي بروجردي،1399، ج 6، ص13)

7-6- تفكيك كلام راوي از متن روايت

در منابع حديثي، گاه کلام راوي که در ادامه حديث بيان شده است، داخل در متن حديث شده است؛ به طوري كه خواننده در نگاه اوّل آن را كلام معصوم مي­داند، نه كلام راوي. مرحوم آيت الله بروجردي، با توجّه به تخصّص و تسلّط خود در مورد روايات، در چنين مواردي، كلام راوي و اصل متن حديث را از هم جدا می­سازند. مثلا در مجلد 11 کتاب، حديث ذيل را از کتاب تهذيب شيخ طوسي نقل مي­کند:

الحسين عن يحيى بن عيسى عن سعيد بن يسار قال سمعت أبا عبد اللّه7 يقول: تحل الزكاة لصاحب الدار و الخادم لأن أبا عبد اللّه7 لم يكن يرى الدار و الخادم شيئا‌. سپس می­نویسد: قوله لأن إلى آخره من كلام الراوی‌ (طباطبايي بروجردي،1399، ج 11، ص 67)

همانطور که ملاحظه مي­شود مرحوم بروجردي در بيان روايت فرمودند: اين قسمت روايت «لأن أبا عبد اللّه7 لم يكن يرى الدار و الخادم شيئا»‌ جزء متن حديث نیست، بلكه كلام راوي حديث است که داخل در متن روایت شده است.

7-7- تبعيّت از دليل در فتاوي

يکي از مباني فقه الحديثي آيت­الله بروجردي تكيه بر ادلّه فقهي در فهم حديث مي باشد؛ لذا در مواردي به جهت فقدان ادلّه فقهي، به ردّ آن مي­پردازند؛ با وجود آن كه برخي از اين احاديث، از کتب معتبر و از روايات مشهور مي­باشد. از جمله:

... المشايخ عن محمد و القمی عن محمد بن أحمد عن علی الميثمی عن حماد عن حريز عن زرارة عن أبی عبد اللّه7 قال: من اغتسل من جنابة فلم يغسل رأسه ثم بدا له أن يغسل رأسه، لم يجد بدا من إعادة الغسل‌.

و در ادامه حديث مي­نويسند:

هذا الخبر إنما يدل على وجوب تقديم الرأس على سائر الجسد، و أما تقديم اليمين على الشمال فلا. و هو مما لا دليل عليه و إنما القول به مجرد شهرة بلا مستند. و أما استحباب التيامن فی كل شی‌ء فإنما يقتضی استحبابه فی كل عضو عضو لا تمام الأعضاء. و الذوق السليم يحكم بأولوية تقديم الأعلى فالأعلى، مع رعاية التيامن في كل عضو عضو، إلا أن يوجد نصّ على خلافه فهو المتبع. و أما قوله7 فی حديث زرارة الأول: «ثم صب على منكبه الأيمن مرتين و على منكبه الأيسر مرتين» فعلى تقدير إفادة الواو الترتيب، لا يدلّ على أكثر من الابتداء فی صبّ الماء بالمنكب الأيمن، و ليس ذلك إلا التيامن المستحبّ فی كل شی‌ء‌. (طباطبايي بروجردي، 1399، ج 5، ص57)

در غسل ترتيبي، مشهور فقها قائل به شستن سه بخش از بدن به صورت مرتب و به دنبال يكديگر هستند: اول: سر و گردن، دوم: نيمه راست بدن، سوم: نيمه چپ بدن. (موسوي خميني، 1425، ج 4، ص66) ولي آيت الله بروجردي معتقدند كه تنها تقديم سر و گردن بر بدن لازم است؛ لكن بين نيمه راست و چپ ترتيبي نيست؛ بلكه كلّ بدن شسته مي‌شود؛ گر چه مستحب است در هر بخش، اول سمت راست شسته شود. مثلاً اول كتف راست و بعد كتف چپ، سپس دست راست و بعد دست چپ، بعد پهلوي راست و سپس پهلوي چپ و ... ايشان در اين زمينه گفته­اند: تقديم نيمه راست بدن بر نيمه چپ واجب نيست و دليلي بر آن وجود ندارد و اين نظريه، صرفاً فتواي مشهوري است كه مدرك ندارد. نیز به این حدیث استناد می­کنند:

4832-2 الكافی ... عن أبی عبد اللَّه7 قال‏: إن عليا7 لم ير بأسا أن يغسل الجنب رأسه غدوة و يغسل سائر جسده عند الصلاة؛ امام علی7 اشکالی نمی­دید که شخص جُنب سرش را صبح بشوید و سایر اعضای بدنش را هنگام نماز. (طباطبايي بروجردي، 1399، ج 5، ص 59) و هچنین به نظر فیض که در وافی وجود دارد (همان، ص60)، استناد می­کنند.

7-8- شرح روايات با استفاده از دیدگاه­های شارحان

گاهي مرحوم بروجردي در شرح احاديث، از نظر دانشمندان و عالمان ديگر بهره جسته و آن را پس از حديث آورده است. ايشان هرگاه سخني را از يكي از علماء در شرح احاديث بيابد، آن را با رعايت امانت­داري و ذکر منبع بيان مي‌كند. به طور نمونه پس از ذکر حديث ذيل به بيان نظر فيض کاشاني در مورد اين حديث مي­کنند:

كا 5/88- عمرو بن خالد عن أبی جعفر7 قال: كان رسول اللّه6 يصوم شعبان و شهر رمضان و يصلهما و ينهى الناس أن يصلوهما و كان يقول: هما شهر اللّه و هما كفارة لما قبلهما و لما بعدهما من الذنوب‌.

آنگاه ذیل حدیث به نقل از کتاب الوافی فیض کاشانی کلامی آورده است. (ر.ک: فیض کاشانی، 1416ق، ج 11، ص 65؛ طباطبایی بروجردی، 1399، ج 11، ص 28)

7-9-توجّه به اختلاف متن روايات

هنگامي كه متن حديث در نسخه‌هاي مختلف، با هم اختلاف دارد، اگر تفاوت متن­ها به سبب تبديل و تغيير الفاظ بوده ‌ا‌ست نه زياده يا نقصان، در صورتي كه تفاوت اندك و معنا تغيير نكرده است، به آوردن لفظ واضح­تر يا لفظي كه مؤلف آن مقدّم باشد، اكتفا می­شود. اما اگر تفاوت متون زياد و معنا تغيير كرده‌ است، مجدداً روايت متفاوت را با سندش ذكر می­کند. مثال:

كا 6/78- علی عن العبيدی عن يونس عن هارون بن خارجة عن الشحام عن أبی عبداللّه7 قال سمعته يقول: أحب الأعمال إلى اللّه عز و جل الصلاة و هی آخر وصايا الأنبياء، فما أحسن من الرجل أن يغتسل أو يتوضأ فيسبغ الوضوء، ثم يتنحى حيث لا يراه أنيس، فيشرف عليه و هو راكع أو ساجد. إن العبد إذا سجد فأطال السجود، نادى إبليس: يا ويله أطاع و عصيت و سجد و أبيت.

در ذيل اين حديث مرحوم بروجردي مي­نويسد:

فی بعض نسخ الكافی إبليس مكان أنيس و هو تصحيف، و فی بعض نسخ الفقيه إنسی، و فی بعض نسخه فيشرف اللّه عليه بإثبات لفظة الجلالة. و لكل وجه و إن كان إثبات الجلالة و الإنسی أوجه، و المستتر فی يشرف بدون الجلالة يعود إلى الإنسی أو الأنيس. و الغرض على التقادير البعد عن شائبة الرياء. (طباطبايي بروجردي، 1399، ج 11، ص 78)‌

مؤلف به موارد اختلاف متن اين روايت در نسخه­هاي مختلف اشاره كرده است و مي­فرمايد: در برخي نسخه­هاي الكافي به جاي كلمة «انيس» كلمة «ابليس» آمده است و در برخي نسخه­هاي کتاب فقيه «إنسي» و در برخي نسخه­ها بعد از كلمة فيشرف، لفظ جلاله الله ذكر شده است كه ذكر لفظ جلاله و ذكر كلمه إنسي صحيح­تر مي باشد. اما ضمير مستتر در يشرف بدون ذكر لفظ جلاله به كلمات إنسي يا أنيس بر مي­گردد كه اين ضمير بخاطر دوري از ريا به صورت مستتر آمده است.

7-10- شناخت معنای مفردات

تبیین معنای مفردات، از دیگر روشهای فقه الحدیثی آیت الله بروجردی است. ایشان در معناشناسی روایات، همواره سعی دارد واژگان کلیدی و بنیادی روایات را تبیین و تحلیل نماید. هر چند ایشان منبع لغوی خود را ذکر نکرده؛ ولی ظاهراً مبنای ایشان مستند به مجمع البحرین است. مثال:

45463- (26) معانى الأخبار 277: ... فانّما أقطع له قطعة من النّار فقال له كلّ واحد من الرّجلين: يا رسول اللّه حقّى هذا لصاحبى. فقال و لكن اذهبا فتوخّيا. (طباطبایی بروجردی، 1399، ج30، ص216) کلمة توخی از ماده «وخا» به معنی قصد و نیّت است. (طریحی، 1375، ج 1، ص 432)

همچنین در حدیث:

45381- (4) فقه الرّضا7 260: و اعلم انّ الحكم فی الدّعاوى كلّها أنّ البيّنة على المدّعى و اليمين على المدّعى عليه، فان نكل‏ عن اليمين لزمه الحقّ‏ ... (طباطبایی بروجردی، 1399، ج 30، ص160) واژه « نکل» معادل «امتنع» است. (طریحی، 1375، ج 5، ص486)

8- جامع احاديث الشيعه از نگاه فرهيختگان و انديشمندان

8-1- آيت الله خويي

بعد از وفات آيت الله بروجردي و با تلاش پي­گير حضرت آيت الله ملايري، جلدهاي بعدي اين اثر به تدريج آماده چاپ شد. حضرت آيت الله خويي با روي گشاده از اين حرکت مبارک استقبال کرد و هزينه چاپ آن را بر عهده گرفت. ايشان در اين خصوص تعليقه­اي دارد که زينت بخش مجلدات اين اثر ماندگار است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله رب العالمين والصلاة والسلام علی خيرته من خلقه محمد و آله الطيبين الطاهرين واللعنه الدائمه علی اعدائهم اجمعين. اما بعد از آنجا که کتاب جامع احاديث شيعه که به امر حضرت آيت الله العظمي، بزرگ طائفه شيعه حاج سيد حسين طباطبايي بروجردي تأليف شد؛ يگانه در نوع خود و زيباي در روش تدوين است. او مشقت اين کار ماندگار ديني را با سعه صدر وهمّت بلند، به جان خريد. خداوند او را غريق رحمت خويش گرداند و بر درجاتش بيفزايد و بهترين جزاي نيکوکاران را به او عنايت کند. همان طور که از خداوند طلب توفيق، اجر فراوان و ستايش ستوده براي علماي عاملي مي­کنم که در تأليف اين کتاب ديني ارزشمند، تحت اشراف او، سهيم شدند و تلاش خود را در آن بذل کردند تا اينکه آن را به وجود آورند. از جمله کساني که تمام تلاش خود را به ثمر رساندن اين کتاب به کار بست؛ علّامه محقق حجت الاسلام حاج شيخ اسماعيل معزّي ملايري است. بدون تريد او در تدوين اين کتاب و ترتيب آن رنجی برد تا توانست آن را با بهترين و کامل­ترين سبک و نظام آماده کند. پس بايد از او به خاطر تلاش پي­گيرش در اين خدمت ديني بزرگ تشکر کرد و از خداي متعال مي­خواهم تا بهترين پاداش را عنايت کند و او را در آماده کردن بقيه مجلات آن توفيق دهد. کتاب طهارت و بخشي از کتاب صلات آن چاپ شده است و از آنجا که اين کتاب مورد تقدير و اهتمام من بود؛ مخارج چاپ و نشر بقيه اجزاي آن را پذيرفتم تا خدمتي براي دين و برپايي مذهب باشد الحمدالله به خاطر تحقق بخشيدن به آرزوها در چاپ برخي از اجزاي باقي مانده خداوند را حمد مي­کنم و از خدا توفيق چاپ بقيه جلدها و اتمام و تحقق اين کار ديني را مي­خواهم که او صاحب توفيق و رستگاري است. (بروجردی طباطبایی، 1399، ج 1، ص 87)

8-2- آيت الله جعفر سبحاني

ايشان مي­نويسد: جامع احاديث الشيعة تأليف گروهي متشکل از فضلاي حوزه علميه، تحت نظارت مرجع بزرگ ديني و محقق آگاه سيد حسين طباطبايي بروجردي (1292-1380ه.ق) است. این جامع از کارهاي خوب روزگار شمرده مي­شود. و ضخيم­ترين جامع فقهي شيعه در دوره اخير است که به خاطر تبويب، ترتيب، تنظيم وهماهنگي نيکو بر ساير جوامع برتري يافته و تمام احاديث موجود در کتب اربعه و وسائل الشيعة و مستدرک الوسائل و دیگر کتب حديثي را در بر گرفته است؛ به گونه­اي که فقيه را از مراجعه به ساير جوامع فقهي بي­نياز مي­گرداند. خداوند از کوشش استاد بزرگمان سيد حسين بروجردي و ساير شاگردانش، به خاطر اين کار پسنديده ارزشمند قدرداني کند و همين طور از عالم محقق پي­گير حاج شيخ اسماعيل ملایری، به خاطر تلاش­هاي فراوان در چاپ اين جامع روايي. (سبحاني،1417، ص 367)

8-3- آيت الله مکارم شيرازي

ايشان در کتاب «بحوث فقهية هامة» در بحث از اينکه ائمه: تمام علوم خود را از رسول خدا6 گرفته­اند؛ به روايات جامع احاديث الشيعة استناد مي­کند و آن را کتاب ارزشمند می­داند. «رويت فی الکتاب القيم جامع أحاديث الشيعة باسنادها.» (مکارم شيرازي ،1412، ص 519)

نتيجه­گيري

سید مرحوم آيت الله العظمي حسين طباطبايي بروجردي(ره) و گروه علمي زیر نظر ايشان، با هدف تأليف يک مجموعة حديثي جامع و کامل که فقيه را از ديگر منابع بي­نياز سازد؛ با تلاش فروانی کتاب جامع أحاديث الشيعة را نوشتند. این اثر نسبت به ساير منابع حديث فقهي شيعه از ويژگي­هاي بارزي برخوردار است که مهم­ترين آن، جامعيّت روايي این کتاب نسبت به سایر مجموعه­های فقهی، جامعيّت و شمول بيشتر روايات، دقّت فراوان در نقل حدیث، تلفيق روايات مشابه از حيث سند و متن، ابتکار در افزودن ابوابي تحت عنوان مسائل اصولي و جمع­آوري تمام روايات مربوط به آنها، جدا کردن روايات آداب و اخلاق در ابواب مجزا و بر طرف کردن آشفتگي و در آمیختن روایات فقهی با روایات مربوط به آداب، ممانعت از تقطيع افراطي احاديث در ابواب متشتت، تبويب بر اساس ترتيب عقلايي و شرعي موضوعات، چينش احاديث در داخل ابواب بر اساس اصول عقلايي، ارجاع به احاديث ابواب ديگر که به نحوي با موضوع مرتبط مي­باشد؛ از ديگر ويژگي­هاي بارز و شاخص­هاي اين مجموعه حديثي مي­باشد.

البته کتاب حاضر با وجود اين ويژگيهای ممتاز، خالي از ضعفها و انحراف از هدف اصلی نگارش نيست؛ از جمله ضعف­هاي موجود در این کتاب می­توان به استقصاي ناقص آيات الاحکام، مشخص نشدن «عدة من اصحابنا» در اسناد الکافي، مشخص نکردن افتادگي­هاي احاديث من لا يحضره الفقيه و تهذيب الاحکام و غفلت در اسناد برخي از احاديث به مصادر اوّليّة حدیثی اشاره کرد.

با در نظر داشتن ويژگيهاي شگرف و امتيازات فراوان این اثر که بهره­گيري مناسب از آن را فراهم آورده است و نیز مدّ نظر قرار دادن روشهای کارآمد آیت الله بروجردی در شرح، بررسی و نقد روایات، مي­توان اين اثر را در شمار بهترين آثار در اين زمينه؛ بلکه بهترين منبع احاديث فقهي شيعه معرفي کرد.

منابع

قرآن کريم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

1. اباذري، عبدالرحيم. 1380ش، خاطرات آيت­الله ميانجي، تهران، مرکز اسناد.

2. ابن ابي­جمهور، محمد بن زين الدين‏. 1405ق، عوالی اللئالی العزيزية فی الأحاديث الدينية، قم، دار سيد الشهداء للنشر.

3. ابن بابويه، محمد بن على‏(شیخ صدوق)، 1362 ش‏، الخصال، قم، جامعه مدرسين‏.

4. تبريزي، محمد. جامع احاديث الشيعة، امتيازها و ضعفها، نشريه کاوشي نو در فقه اسلامي، سال پانزدهم، شماره پنجاه و ششم.

5. تمري، محمدرضا. 1387ش، شکوه شيعه، تهران، مرکز اسناد.

6. دفتر تبليغات اسلامي. 1379ش، شکوه فقاهت، تهران.

7. دواني، علي. 1379ش، مفاخر اسلام، تهران، مرکز اسناد.

8. سبحاني، جعفر . 1419ق، مصادر الفقه الإسلامي و منابعه، بيروت، دارالأضواء.

9. همو. 1389ش، کليات علم الرجال، مترجمان: علي کبر روحي و مسلم قلي پورگيلاني، قم، انتشارات قدس.

10. سلطاني، محمد علي، فقه الحديث در نگاه آيه الله بروجردي (ره)، مجله علوم حديث، شماره ششم.

11. شريف مرتضي، علي بن حسين. بي­تا، رسائل الشريف المرتضي، قم، دارالقرآن الکريم.

12. طباطبايي علوی بروجردی، سیدمحمدحسين.1341ش، خاطرات زندگي آيت­الله بروجردي، تهران، اطلاعات.

13. طباطبائي بروجردي، سیدحسين. 1399ق، جامع أحاديث الشيعة، قم، المطبعة العلمية.

14. همو. 1386ش، منابع فقه شيعه (ترجمه جامع احادیث الشيعه)، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.

15. طريحي، فخر الدين بن محمد. 1375ش. مجمع البحرين‏، تهران، مرتضوی.

16. فيض كاشانى، محمد بن مرتضی‏. 1406ق، الوافی، اصفهان، كتابخانه أمير المؤمنين7.

17. کليني، محمد بن يعقوب. 1429ق، الکافي، قم، دارالحديث.

18. مجلسی، محمدباقر، 1403ق، بحارالانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربي‏.

19. محدّث نوري، حسين بن محمّد تقي. 1408ق، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل‏، قم، مؤسسه آل البيت:.

20. مکارم شيرازي، ناصر. 1422ق، بحوث فقهية هامة، مدرسه امام علي بن ابي طالب7.

21. موسوي خميني، روح­الله. 1425ق، تحرير الوسيله، ترجمه علي اسلامي. قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرّسين حوزه علميه قم.

22. نصيري، علي. 1385ش، حديث شناسي(1و2)، قم، انتشارات سنابل.

23. واعظ زاده خراساني، محمد. 1385 ش، زندگي آيت­الله بروجردي، تهران، مجمع جهاني تقریب مذاهب اسلامي.

\*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی کرمانشاه.

\*\*. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث fatahi668@gmail.com